



یکی بود یکی نبود مدارس بودند
و کتاب نداشتند! و کتابخانه نداشتند! و
کتابدار هم نداشتند!

یکی آمد و آن یکی گفت همه
مدارس باید کتاب داشته باشند! برای
مدارس کتاب خریدند و بعضی ها قفسه
هم خریدند! در جاهای دور کتابها سوار
دوچرخه شدند و خودشان را رساندند! تا
مدارس کتاب داشته باشند! دانش آموزان
آمدند کتاب بردند و خواندند؛ گرچه بعضی،
کتابها را پس نیاوردند، اما خیلی ها دو تا
کتاب برگرداندند. کتابها زیاد شد! حالا
دیگر همه قفسه خریدند و آنها که قفسه
داشتند، کمد خریدند و خلاصه جاتنگ شد.
پس کتابخانه احداث شد و کتابها رفتند
سرخانه و زندگی خودشان. اما دانش آموزان
علاقه مند به آنها سر می زدند و از آنها
درخواست عرضه داشتند. اما عرضه کننده
پستی اداری در آموزش و پرورش نداشت.
پس بر عده ای پست اعطا گردید و شدند
کتابدار! برای کتابدار کلاس گذاشتند
و علاوه بر کلاس، به او آموزش دادند تا
شد کتابدار! با ۳۶ ساعت کار و با پرداخت

د میان پشت بام بما نی

ناهید پاک آیین

مدیر دبیرستان فجر اسلام، تهران

شماره ۲۶

دوره هفتم / آشنایی با آموزش و پرورش / ۱۳۹۱
شماره مدیریت همدرسه

می‌تواند بر کار کتابخانه و دانش‌آموزانی که مسئولیت امور آن را به عهده می‌گیرند نظارت لازم و کافی داشته باشد؟

۳. آیا معلم با توجه به امور پژوهشی و تحقیقاتی که خیلی بر آن تأکید می‌شود می‌تواند بر دانش‌آموزان مسئول امور کتابخانه تکیه کند و با آن‌ها به تعامل برخیزد و یا اینکه دانش‌آموز مسئول با او در موارد مختلف به تعامل برخیزد؟

۴. دانش‌آموز مسئول چند دقیقه از زمان حضورش در مدرسه را می‌تواند در کتابخانه باشد و در زمینه کتابداری به فعالیت بپردازد و یا در خارج از مدرسه به دنبال مسائل کتاب و کتابخانه باشد؟

۵. آیا دانش‌آموزی در سطح دانش‌آموزان دیگر، یا کمی بالاتر، می‌تواند راهنما و هادی دانش‌آموزان در کتابخوانی باشد؟

۶. درست است که مسئولیت دادن به دانش‌آموزان کار به‌سزایی است اما در امر مهم کتاب و کتابخوانی که به فرمایش مقام معظم رهبری (در همان دیدار) از طریق آن در اثر کوچکترین غفلت مفسده‌هایی حاصل می‌شود، آیا نباید از کارشناسان خبره استفاده نمود؟

ایشان فرمودند: «یک نکته دیگر، انتخاب و گزینش کتاب است. کتاب، محصول فکر و مغز و تجربه و هنر و ذوق یک کسی یا کسانی است که این کتاب را تهیه و تولید کرده‌اند. لزوماً هر کتابی مفید نیست و هر کتابی غیر مضر نیست. بعضی کتاب‌ها مضر است. مجموعه‌ای که متصدی امر کتاب است، نمی‌تواند با

اضافه کار و از آن‌ها بعضی نمونه شدند و قرب و مقام و جایگاهی پیدا کردند و با تخفیف، به کتابخانه و جذب معلمان به کتابخانه و تعامل با آن‌ها در تهیه کتاب‌های درخواستی و کمک آموزشی، خود نیز در مسابقات کتابخوانی شرکت می‌نمودند و دارای معلومات می‌شدند و بر ابتکارانشان افزوده می‌گشت. حتی برخی از کتابخانه‌ها هوشمند شدند و مدیران هوشمند و دارای کتابخانه هوشمند، با افتخار مدیران دیگر را فرا خواندند تا ببینند و آن‌ها هم جا نمانند از قافله هوشمندان! تب این افتخار جیب طراحان و هوشمندان را نیز آباد کرد. ولی ناگهان پاشویه از طرف گروه جدید شروع شد و تب رو به افول گذاشت! در آغاز؛ اضافه کار منقطع شد و سپس همکاران نیازمند استراحت و کم‌توان آموزشی، بر جای کتابداران تکیه زدند و خاک بر سر رایانه‌های هوشمند نشست و آن‌ها خاک بر سر شدند و کتاب‌ها بر سرترا! اما هنوز برخی از کتابداران نمونه بودند! البته در میان کتابداران جدید! هنوز کتابخانه‌ها رونقی داشت؛ خصوصاً این که شهرداران به دلایل خاص امکانات و کتاب را با پذیرایی از کتابداران و مدیران اهدا می‌نمودند و ناچار آن که بر مسند کتابدار نشسته بود توی رو در بایستی هم که شده دستی بر سر کتاب‌ها می‌کشید و دانش‌آموزان هم اگر شده به عنوان تکلیف معلم، در کتابخانه حاضر می‌شدند.

خلاصه مشخص نشد چه کسی، اما یک کسی، تشخیص تب داد! شاید هم فکر کرد حالا که نیروی مازاد هست چرا گروهی دیگر به آن‌ها اضافه نشود؟! و یا شاید تصور کرد باید نظری بدهد غیر از نظر دیگران تا نکند از قافله عقب بماند! البته من نمی‌دانم کدام قافله؟! شاید خودش هم نداند! کتابدار در مدارس، ساعتی شد به بهانه این که باید مسئولیت به دانش‌آموزان داده شود و... بعد از مدتی احساس شد مسئولیت دانش‌آموزان در این زمینه کم است و پست کتابدار در مدارس حذف گردید!

راستی چرا؟ برخی از ما مدیران در میان پشت بام نمی‌مانیم و راه اعتدال نمی‌گزینیم و هر لحظه با نزدیک شدن به یکی از دو لبه بام در معرض سقوط قرار می‌گیریم؟ خوب است تا با توجه به دیدار رهبر معظم انقلاب با کتابداران در تاریخ ۹۰/۴/۲۹ و با استفاده از بیانات ایشان چند سؤال مطرح شود تا ضرورت وجود کتابدار در مدارس مشخص گردد.

ایشان فرمودند: «یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که نوجوان‌ها و جوان‌ها را به کتابخوانی تشویق می‌کنیم؛ مراجعه می‌کنند می‌گویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جواب‌های متعددی دارد. مجموعه متصدیان امر کتاب، چه در وزارت ارشاد و چه در مجموعه کتابخانه‌ها، روی این مسئله باید کار جدی بکنند.»

۱. دانش‌آموز، حتی اگر احساس مسئولیت هم داشته باشد، چه قدر می‌تواند کار کتابدار را انجام دهد؟

۲. آیا معاون پرورشی با حجم عظیم اموری که مأمور و مسئول انجام آن است